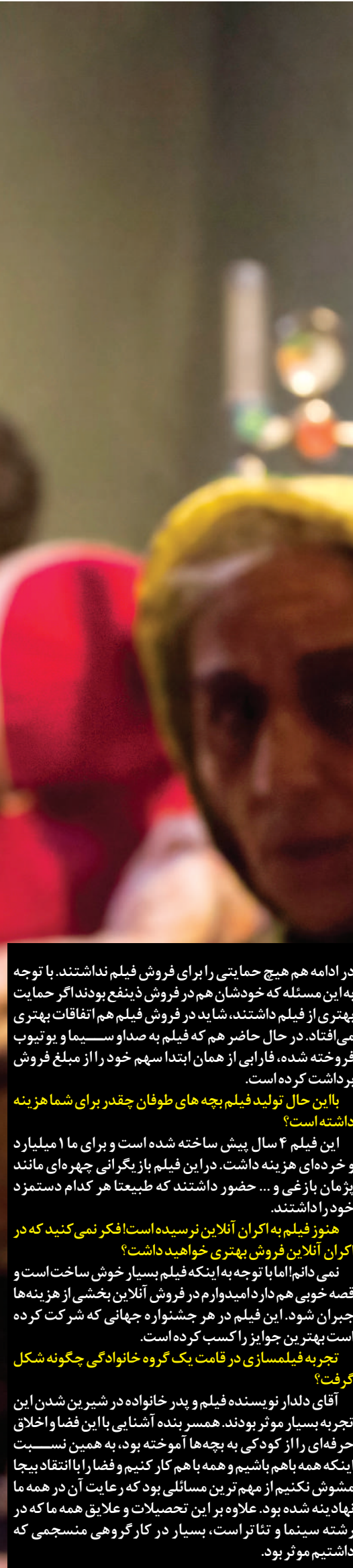




صادق دقیقی:

چرا فارابی نخواست به این فیلم بها دهد؟

مرحله انتخاب نقشش برای فیلم بچه های طوفان، با چه رویکردی صورت گرفت؟

یکی از سخت ترین گزینش ها، انتخاب نقش جانباز جنگی برای پژمان بازغی بود، با توجه به اینکه تصور عموم از جانبازان مردانی فرو افتاده و شکسته است، انتخاب این نقش برای این بازیگر برای برخی جای سوال داشت، اما در تحقیقات میدانی که خود بنده به همراه خانم مرزبان از مراکز درمانی جانبازان داشتیم به چشم خود جانبازانی دیده بودیم بسیار از آقای بازغی خوش تیپ تر و خوش استایل تر! اینکه تصور عموم از این افراد محدود به اشخاصی لاغر و تکیده شده است تصویری اشتباه است. ما جانبازانی داریم که مانند مردم عادی در اجتماع حضور دارند و تنها سالی یک الی دو بار حمله شیمیایی آن ها را گرفتار می کند، کسانی که وقتی حمله به سراغ شان می آید در آن شرایط خاص حتی نمی توانند کلمه ای حرف بزنند اما بعد تر با دارو درمانی و ... دوباره به زندگی عادی شان برمی گردند. بهر حال من در تحقیقات میدانی خود با جانبازانی مواجه داشتم که بسیار قوی و محکم بودند اما در جریان حمله به کلی فرو می ریختند طوری که دیگر هیچ کنترلی روی اعضای بدن خود نداشتند.

از نحوه شکل گیری ایده تا طرح و نوشتن فیلمنامه بگویید؟

طرح این فیلمنامه برای خانم مائده عبدی است که در بابل و خطه شمال کشور زندگی می کنند. خانم مرزبان این طرح را از ایشان خریداری کردند و عبدالجبار دلدار زحمت نویسندگی این طرح تا آماده شدن آن در قالب فیلمنامه را بر عهده داشتند.

سخت ترین مرحله تولید فیلم، کدام قسمت بود؟

برای بنده دکوپاژ و فضا سازی کار بسیار با چالش همراه بود و این به خاطر موقعیت جغرافیایی فیلم بود که مدام باید در آب و باران می بودیم و همین باعث شد نیروی بسیار زیادی را همه گروه برای این فیلم بگذارند. در حال حاضر من فیلم «مرده خور» را تولید کرده ام، با اینکه تعدد بازیگران چهره و ... در فیلم مرده خور بیشتر از بچه های طوفان است اما سختی تولید آن یک پنجم تولید فیلم بچه های طوفان هم نیست.

محتوای فیلم بچه های طوفان را از چه نظر برای مخاطبان این رده سنی و خانواده ها مفید می دانید؟

قهرمانی که از آب می ترسد به آب می زند، این مضمون چالشی از تمامی شرایط زندگی پیش رو برای هر شخص در هر مرحله از زندگی اش است که برای رسیدن به تکامل باید بر ترس های خود غلبه کند. این متن کاملاً بر اصول داستان نویسی رابرت مک کی که تحول قهرمان را در سفر قهرمانی ترسیم می کند، منطبق است در این راه از انگیزه های که قهرمان را در این راه یاری می کند هم غافل نشدیم و عشق را در میان باران و سیل در تحول شخصیت دخیل کردیم. در جامعه کنونی مادیگر ایثار گر وجود ندارد، ایثار گر نه به معنای آنچه که در جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بارها در باره آن صحبت شده است! ایثارگری که در شرایط بحرانی امروزه به میدان عمل بیاید و باری را از دوش دیگری بردارد.

صحبت پایانی:

هنوز نمی دانم رفتار قهر آمیز بنیاد فارابی با این فیلم از کجا ریشه می گیرد؟ فیلم های زیادی هر ساله توسط این مرکز با هزینه های گزاف تر و حمایت های بیشتر ساخته می شود. این فیلم در اکران سینمایی موفق به فروش چشمگیری نشد اما در اکران بازار جشنواره کن و خلاصه هر فروشی را که تا به حال داشته، فارابی از همان سهم ۳۰ درصدی خود را از فروش بلافاصله بر داشت کرده است. در حالی که مبلغ ناچیزی را برای حمایت از فیلم هزینه کرده بودند. ما طبق نامه ای به مسئولین تصمیم گیرنده اعلام کرده بودیم که تولید فیلم برای گروه نه تنها بازگشت سرمایه را به دنبال نداشته بلکه متضرر هم شده ایم اما متأسفانه حتی این نامه هم هیچ تأثیری بر روی سیاست گذاری های فارابی نسبت به فیلم نگذاشت. طوری که حتی در سایت خود بنیاد فارابی راضی به تبلیغ و معرفی فیلم نشدند! فیلمی را که به زعم خودشان سهمی از تولید آن را بر عهده داشتند! با اینکه این فیلم در جشنواره های متعدد دیده شده و از آن در زمینه های مختلف تقدیر شده است، اما فارابی نخواست که به این فیلم بها دهد و برای ماینگونه استنباط شد که حمایت از فیلم بچه های طوفان برای فارابی کسر شأن به حساب می آید. چرا که اگر در اکران کمی از این فیلم حمایت می شد، اتفاقات بهتری برای این فیلم می افتاد. در پایان از آقای روح الله سهرابی که در ارشد سمت مدیر کل نظارت بر عرضه آثار سینمایی را بر عهده دارند بسیار سپاسگزارم که صادقانه در این راه کنار فیلمسازان هستند اما متأسفانه یک نفر دست تنها در این مسیر نمی تواند خیلی تأثیر گذار باشد.

پرهام دلدار:

عاشقی هستم در پی معشوق

پرهام دلدار به خاطر تولد در خانواده ای هنر دوست و فیلمساز از کودکی با مقوله فیلم و بازیگری آشناست، از جمله فعالیت های او در عرصه بازیگری؛ بازی در فیلم های سمعک، قفس، میان پرده های نوروزی، سربال های شکوفه های مهاجر، آقای گردنبار، ماهیگیر کوچک، ستاره قطبی، جستجوگران و... است.

ابتدا از نقش خود در فیلم بگویید؟

نقش یک معلم در روستا را بازی می کنم. این روستا به خاطر موقعیت خاص جغرافیایی که دارد و دائماً در معرض بارندگی و سیل است، پل ارتباطی خود را با شهر از دست می دهد و بچه های روستا در تلاش هستند تا در این شرایط به مردم روستا کمک کنند. این فیلم تحول انسان در شرایط سخت را نشان می دهد که فکر می کنم از بزرگترین اتفاقات مهم در زندگی انسان هاست.

برای نزدیک شدن به نقش خود در این فیلم چه کردید؟

با تحقیقات میدانی شروع کردم و در کنار آن مطالعاتی درباره شغل معلمان روستا داشتم و سختی های را که این صنف با آن دچار چالش های همیشگی هستند را زیر نظر گرفتم. اینها همه جزو پیش زمینه های ساخت کاراکتر بود، بعد از آن باید وجهه های خاص خود شخصیت معلم را با توجه به مشکلاتی که در زندگی دارد زیر نظر می گرفتم و برای این کار متمرکز شدن روی خود فیلمنامه و کمک های نویسندگان و کارگردان بی شک بی تأثیر نبود. در واقع انگیزه این معلم در انتخاب اینکه در این روستا خدمت کند وجهه ای دراماتیک دارد، چرا که او عاشق دلدادگی ایست که به دنبال معشوقه خود به این روستا آمده است. به همین نسبت ارتباط بسیار خوب و صمیمانه ای را با بچه های روستا دارد و تلاش می کند که فارغ از تحصیل و تدریس کتب، بچه ها را به آرزوها و خواسته هایشان برساند. و در این میان او چالش هایی با رضا دارد که برادر معشوقه ای اوست.

بازی در این نقش چه چالش هایی را برای شما به همراه داشت؟

این فیلم در روستای عززک، در ارتفاعات سخت و صعب العبور شهر ساری فیلم برداری شده است و به نسبت موقعیتی که داشت تولید فیلم در این شرایط برای همه گروه سخت بود. تولید این فیلم ممکن شد، چرا که ما به شکل یک گروه خانوادگی، هم لانه پای کار ایستادیم. و خوشبختانه نتیجه ای که از خروجی این فیلم کسب شد برای همه گروه رضایت بخش بود. با اینکه فیلم موفقیت چشمگیری را نتوانست در اکران تجربه کند، اما همین که ما خودمان به عنوان عوامل سازنده این فیلم، نتیجه را درخشان و راضی کننده دیده و در جشنواره های متعدد هم موفق به کسب جوایز شدیم برای ما یک موفقیت به حساب می آید.

ارزبایی تان از حرفه بازیگری در ایران چیست؟

اولین حضور من در بازیگری به سال ۱۳۷۰ و حضور در جشنواره فیلم فجر با اثر «سهند و دریا» برمی گردد، از آن سال تا به امروز در حدود بیش از ۲۰ فیلم نیز بازی کرده ام که عمده آن همکاری در پروژه های خانوادگی بوده است. همان طور که می دانید سینما صنعت گرانی هست و به سبب اینکه ما به شکل خانوادگی تحت عنوان سینمای مستقل، در این زمینه به صورت هم لانه در کنار هم کار می کنیم، توانسته ایم به صورت مستمر ادامه دهیم. چه بسا در شرایط حاضر که اتفاقات سیاسی و فرهنگی همه و همه بر حرفه فیلمسازی تأثیر مستقیم دارد، از نظر من کار فیلمسازی به خصوص بازیگری به عنوان شغل، به هیچ عنوان ساحل امنی نیست و هنرمند در این راه مدام با چالش های متفاوت مواجه است. به همین دلیل اصلاً نمی شود با تک حرفه ای بودن در این حوزه تضمین جریان مالی و شغلی را برای خود تصور کرد. شرایط بنده هم به عنوان یک بازیگر مستثنی از بقیه دوستان نیست و عملاً در کنار بازیگری چند شغل دیگر هم دارم. وضعیت صنعت سینمای ایران نا مساعد است و این عدم تعادل، بیشتر از همه متوجه سینماگران مستقل در ایران است.

صحبت پایانی:

تماشای فیلم بچه های طوفان برای مخاطب، تجربه لذت بخشی است. این فیلم کاملاً بی غرض و با صداقت در حوزه کودک و نوجوان برای بچه ها ساخته شده است. قصه جذاب این فیلم یک تجربه تازه از رویارویی با دنیایی متفاوت برای بیننده است و یک تجربه تربیتی از نوع خاص برای نوجوانان. علاوه بر این فضای خاصی که این فیلم دارد، فیلمی کاملاً از زبان نوجوانان ساخته برای بچه های تولید بسیار سخت و قطعاً برای مخاطب پراز احساس خواهد بود این فیلم با تکیه بر بلاهای طبیعی مانند سیل و زلزله و ... زندگی کردن در شرایط دشوار را نشان می دهد و نقطه تلاقی تحول را در مرکز خود قرار داده است.